

بیانیه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست مضحکه انتخابات و لشکر شکست خوردگان اپوزیسیون در کنار رژیم و علیه مطالبات مردم!

مردم!

مضحکه انتخابات رئیس جمهوری در راه است. این واقعیت که انتخاب مردم رفتن جمهوری اسلامی است بر کسی پوشیده نیست. این را در اعتراض هر روزه در خیابان و کارخانه و دانشگاه و محله، در جنگ و جدال کارگر و زن و جوان این مملکت با مزدوران نظم حاکم میتوان دید. جمهوری اسلامی هیچوقت برای ما مردم مشروعیتی نداشته است تا امروز پای انتخاب یکی از مهره های آن برویم. شما بیش از هرکسی میدانید و دیده و تجربه کرده اید که تمامی سرداران ارتجاع، خامنه ای یا خاتمی، رفسنجانی یا احمدی نژاد و موسوی و کروبی و رضایی هر تفاوتی که بین خودشان و در

صفحه ۳

عطش جامعه برای لغو هرگونه حکم اعدام بویژه اعدام نوجوانان اعدام دو نوجوان همجنسگرا در مشهد



ثریا شهابی

تصور کنید که کودک و نوجوان ۱۳ - ۱۵ ساله شما، فقر زده، بی سرپرست و نان آور خانواده، ناآگاه، یا معلول جسمی یا روانی است که مرتکب خطایی شده است. و یا نه! مطلقا هیچ خطایی نکرده است، به خاطر هیچ و پوچ تحت عنوان "لطمه به شعائر اسلام" و عدم رعایت "عفت عمومی" به اسارت جمهوری اسلامی در آمده است و در چنگال عدالت اسلامی منتظر است! شما هم در خارج از زندان منتظرید! و سرانجام پس سالها سپری شدن زندگی کودک و نوجوانتان در هراس و زیر خطر چوبه دار و تحت شکنجه جسمی و روحی، یک روز "عدالت" را با قتل فجیع او، به اجر در آورند. این سرنوشت اغلب نوجوانان و کودکانی است که در ایران اعدام شده اند

و میتواند سرنوشت صدها نوجوان دیگر در انتظار و در خطر اعدام باشد. روزنامه های دولتی گاهی حتی نام این نگون بختان را هم ذکر نمی کنند، و از زندگی کوتاهشان خبر نمی دهد. تیتراهای " ۱۳۰ بزهکار نوجوان در انتظار اعدام"، "چهار کودک بلوچ محکوم به اعدام"، "اعدام دو نوجوان همجنسگرا در مشهد"، تنها اشکال بیان رسمی این فجایع انسانی در ایران است. فجایعی که هر روز در شرف وقوع است و مردم ایران را به فغان آورده است. گفته میشود که بسیاری از این ←

اپوزیسیون ملی - قومی شریک جرم جمهوری اسلامی علیه مردم ایران



از نظر ما و هر انسان آزاده ای گذاشتن نام انتخابات و یا اعمال اراده مردم بر مضحکه جمهوری اسلامی، توهین و بی حرمتی به شعور میلیونها مردمی است که سه دهه است زیر حاکمیت مشتی آخوند جانی و دیگر اوباش اسلامی زندگی میکنند. از نظر حسین مرادی یکی عده دیگر اما اینجوری نیست. بخش اعظم اپوزیسیون راست ایران آن را انتخابات میدانند. شرکت در آن را نه تنها "افتخار" ی برای خود میداند بلکه تلاش میکند

صفحه ۴

به مناسبت هفته حکمت منتشر میشود کارگران و انقلاب منصور حکمت

صفحه ۵

برنامه های تشکیلات خارج کشور در مورد هفته منصور حکمت

صفحه ۷

سیف خدایاری

نمایش انتخابات و چند حقیقت ساده

صفحه ۸

اطلاعیه خبری

تشکیلات گوتنبرگ حزب حکمتیست

صفحه ۹

باز هم شکست و رسوایی برای عوامل جمهوری اسلامی

خارج کشور جولانگاه اوباش جمهوری اسلامی نیست

صفحه ۹

ساعات پخش تلویزیون پرتو

۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰ به وقت تهران
تکرار برنامه ۲۰:۳۰ تا ۳۰:۳۰ نیمه شب

پرتو نشریه مابین کمونیست کارگری حکمتیست
هر هفته جمعه ها منتشر می شود
پرتو را بفوانید و به دوستان خود معرفی کنید

زنده باد سوسیالیسم



خواهد نشاند. رژیم با هر چوبه داری که بالا میبرد، با هر حکم اعدام و قصاص و سنگساری که صادر میکند، تنها و تنها به عمق اقیانوس عظیم نفرت و انزجار مردم از مذهب، اسلامیت، عدالت، و نظام شان میافزاید.

جامعه ایران تشنه لغو هرگونه حکم اعدامی است. مشت های گره کرده مردم، بعض و خشم فروخته شان برای احقاق حقوق پایمال شده همه کودکان و جوانانی که قربانی ماشین کشتار اسلامی در ایران شدند، نوید روزهای خلاصی از جهنم جمهوری اسلامی را به نیروی خود شان میدهد. باید برای خلاصی از این اقیانوس جنایت، بپاخواست.

Soraya.shahabi@yahoo.co.uk

۲۹ مه ۲۰۰۹

صف ارتجاع اسلامی، امثال کروب و موسوی، بر این خواست قلبی مردم، سرمایه گذاری کرده اند. "اعتراض" اینها علیه اعدام کودکان، کمترین رگه ای از دوستی شان با مردم ندارد. اینها در گرماگرم هیچ کشتاری برای جلوگیری از آن هرگز هیچ اقدام جدی نکرده اند. اینها "پاره تن" خود رژیم و سیستم قضایی شان اند. مخالف قوانین جزا اسلامی، "جرائمی" که محکومیت اعدام دارد، نیستند! همیشه مصلحت نظامشان بر زندگی کودکان و نوجوانان بی گناهی که سربازانشان بالای دار رفت، و امروز در انتظار مرگ اند، ارجحیت داشت. هنوز هم ارجحیت دارد. نباید "نق زدنهای" امروزشان در جنگ داخلی شان و برای سوار شدن بر اعتراضات برحق مردم علیه اعدام، را جدی گرفت. مردم اینها را روزهایی که قدرت داشتند و در اپوزیسیون نبودند، دیده اند. فریبکاری این باند اسلامی تنها و تنها در سایه حاکمیت توحش احمدی نژاد، امکان ابراز وجود دارد. مردم ایران از اعدام، بخصوص اعدام کودکان و نوجوانان، از چوبه دار و تیرباران و سنگسار و جنایت، به تنگ آمده اند. جامعه ایران تشنه و شایسته عدالت، انسانیت، کودک دوستی و آزادی و برابری است. و این خواست را به نیروی خود، به نیروی طبقه کارگری که از این جهنم جز فقر و تباهی سودی نمی برد، به نیروی مردم آزادیخواه و برابری طلبی که سی سال است خود را تسلیم حاکمیت اسلام بر زندگی اش نکرده است، به کرسی

جهنمی است که برپا است. مردم خاطره اعدامهای دستجمعی سال ۵۸ در کردستان، محاکمات یک دقیقه ای و اعدام و تیربارنهای دستجمعی سال ۶۰، اعدامهای سالهای پس از آن و قتل عام و "پاک سازی" زندانها در سال ۶۷، زندانهایی که مملو از نوجوانان و جوانان بود، را فراموش نکرده اند. این اعدامها و کشتار از جوانان و نوجوانان، ستونی است که عمارت این رژیم آدم کش، بر آن بنا شده است. بدون رکن اعدام و قصاصات اسلامی، برج و باروی ارتجاعی و ضدانسانی جمهوری اسلامی ایران، اساسا ساخته نمی شد. اعدام و بخصوص اعدام نوجوانان و کودکان، بخشی از تاریخ خونبار شکل گیری و حاکمیت سی ساله جمهوری اسلامی ایران است.

بدون اعدام، این جهنم کودک ستیز و نوجوان کش، ساخته نمی شد. در این یک تجربه، همه جناحها، اصلاح طلب و اصولگرا، مجاهدین انقلاب اسلامی و خط امامی ها، حزب جمهوری اسلامی و مجمع تشخیص مصلحت نظام و بیت امام و سپاه و انجمن اسلامی و بسیج و منکرات و آخوند های "عبوس" و "خوش رو"، همه و همه، شریک اند. اعدام، و اعدام کودکان و نوجوانان، هم کارنامه خلخالی و لاجوری و خمینی است هم کارنامه میرحسین موسوی و رضایی و کروب و احمدی نژاد و خامنه ای ممنوعیت اعدام کودکان خواست قلبی همه مردم ایران، همه پدران و مادران، خواست پیر و جوان در ایران است. امروز بخشی از "ناراضیان" در میان

نوجوانان، ناآگاه و بی اطلاع از حقوق ناچیز قضایی خود در جمهوری اسلامی، و یا زیر شکنجه و به خاطر وعده های مالی، به "جرائمی" اعتراف کرده اند که در مورد میزان دخالت آنها تردیدهای جدی وجود دارد. با این وجود برای اجرای عدالت" اسلامی، این اعترافات مبنای صدور احکام مرگشان شده است. این وصف حال دستگیر شدگان است. در میان دستگیر نشدگان اما زندگی صدها هزار نوجوانی که در محیط منقبض، مختنق و کثیف اسلامی ایران، اولین رابطه های جنسی شان را، آگاه یا ناآگاه، داوطلبانه یا تحت فشار، در خفا و پنهانی، با همجنس تجربه میکنند، با شمشیر "حد لواط اعدام است"، این قانون و آئین سیاه اسلامی، در خطر مرگ است. مراجع بین المللی اعلام کرده اند که در حال حاضر ۱۱۴ نوجوان دیگر از همسرانشان این نگوین بختان، با اتهامات مشابه، در زندانها در انتظار مرگ اند. و ایران در بین کشورهای مرتجع از نظر تعداد اعدام کودکان و نوجوانان، رتبه اول را احراز کرده است. در مورد ابعاد اعدام بطور کلی، عفو بین الملل گزارش داده است که در سال ۲۰۰۷، در ایران، هر هفته حداقل ۲۴ نفر اعدام و بیش از ۶۴ نفر محکوم به مرگ شدند. علاوه بر اعدام نوجوانان و کودکان به خاطر "جرائم غیر سیاسی"، ایران قتلگاه دهها هزار نوجوان و جوان محصل دیگر در شرایط به قدرت رسیدن ارتجاع اسلامی و دهه اول حاکمیت اش بوده است. جوانانی که تنها جرمشان نخواستن این

به تلویزیون پرتو کمک مالی کنید!

تلویزیون پرتو تریبون زن، کارگر و جوان معترض، تریبون آزادیخواهی است. کمکهای خود را میتوانید به شماره حساب زیر واریز کنید.



دارنده حساب: A.J

شماره حساب: ۶۰۲۸۱۷۱۹

کد بانکی: ۲۰۵۸۵۱

نام بانک: Barclays

بیانیه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ...

ادامه از ص ۱

ایستادگی انقلابی توده های کارگر و زحمتکش کردستان در برابر جمهوری اسلامی ثبت کرده اند. مردم دوران اسلام میانه رو "پرزیدنت" رفسنجانی و دوره اصلاحات خاتمی و تبلیغات طیف طرفدار رژیم را تجربه کرده اند.

تلاشهای مذبوحانه محافل و جریانات مختلف در دفاع از مهره های جمهوری اسلامی و برای کشاندن مردم پای صندوقهای رای، قبل از هر چیز جایگاه و ظرفیت این جریانات در دشمنی با آزادی و رفاه مردم را عیان خواهد کرد. بی شک افشا و منزوی کردن تمام این مرتجعین بخشی از تلاش ما برای بزیر کشیدن جمهوری اسلامی و برپایی آزادی و برابری در ایران است.

حزب حکمتیست برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی با اتکا به نیروی جنبش طبقه کارگر و مردم آزادیخواه تلاش میکند. حزب حکمتیست به استقبال مبارزات برابری طلبانه طبقه کارگر و مردم مبارز علیه تمامیت جمهوری اسلامی میرود و در این راه و در دفاع از آزادی مردم ایران همه جریانات مدافع جمهوری اسلامی، همه مجیزگویان و کاسه لیسان آنها و هر کس که به هر بهانه ای به ماندگاری جمهوری اسلامی خدمت کند را افشا میکند.

**مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد سوسیالیسم**

**دفتر سیاسی حزب کمونیست
کارگری ایران- حکمتیست**
ششم خرداد ۱۳۸۸ - ۲۷ مه
۲۰۰۹

علنا با لبیک گفتن به این مهره یا آن مهره جمهوری اسلامی، در مقابل مردم و در صف دشمنان ما ایستاده اند. اینها میخواهند تنفر عمیق مردم از جمهوری اسلامی را تحت نام مخالفت با احمدی نژاد در دفاع از جنایتکاری دیگر کانالیزه کنند. اینها همانقدر نماینده مطالبات و امیال زنان و جوانان و کارگران هستند که نمایندگان مجلس ارتجاعی اسلامی! اینها در کنار توجیهات عوامفریبانه شان در دفاع از کاندیداهای رژیم، در کنار طرح مطالبات و سهم خواهی خود، اوج نفرت خودشان را از رادیکالیسم شما و از انقلابیگریتان اعلام میکنند.

مردم! نباید اجازه داد این دوستان دروغین مردم، بازار دو خرداد دیگری را به نام شما، گرم کنند و برای جمهوری اسلامی عمر بخرند. باید در مقابل تقلای ارتجاعی تمام احزاب، شخصیت ها و نیروهای سیاسی که بنام شما و مطالبات شما، صحنه گردان نمایش مضحکه انتخاباتی شده اند، محکم ایستاد و آنها را افشا و منزوی کرد.

مردم ایران خاطرات بیعتها و بندوبستهای کثیف محافل و جریانات مختلف اپوزیسیون ملی اسلامی با خمینی که منجر به شکست خونین انقلابشان توسط ارتجاع اسلامی شد را فراموش نکرده اند. مردم ایران بهای پادویی مجاهدین و جریانات ناسیونال اسلامی از بنی صدر را با کشتار دهها هزار انسان شریف و آزاده توسط رژیم، پرداخته اند. مردم لبیک گفتنهای حزب دمکرات کردستان به خمینی را بخاطر سپرده اند و بعنوان نقطه مقابل

امنیت و آسایش و آزادی و برابری برای مردم و نه از سر مقابله با استبداد و دفاع از آزادی بیان و تشکل و حزب، که از سر سهیم شدن خود و به بازی گرفته شدن در قدرت بوده است. این عوامفریبان بیشرم برای دفاع از دشمنان، برای مشروعیت دادن به حاکمیت ارتجاع، برای ممانعت از تلاش شما برای به زیر کشیدن دستگاه سرکوب و اختناق تلاش میکنند با "طرح مطالبه" شما را پای صندوقهای رای بکشانند.

نبايد اجازه داد این مراسم و مضحکه بنام شما و تحت نام انتخابات شما، برگزار شود. کمترین انتخاب و اولین گزینش ما، رفتن جمهوری اسلامی و "نه" به جملگی دارودسته های ارتجاع در حکومت یا در اپوزیسیون، است. باید تمام طرفداران ارتجاع اسلامی و شخصیت هایشان را، تمام محافلی که امروز علیه مردم به خط شده اند را افشا کرد. از دفتر تحکیم وحدت که همیشه بخشی از جمهوری اسلامی بوده است، تا حزب دمکرات کردستان که همیشه آماده ساخت و پاخت با رژیم اسلامی بوده و امروز علنا به کروی سیمپاتی نشان میدهد، از تحرک "همگرایی در جنبش زنان" و مشروطه خواهانی چون داریوش همایون که امروز به جمهوری اسلامی نزدیک شده است و هراس انقلاب مردم و رشد آزادیخواهی نگارانش کرده است، تا "گفتمان مطالبه محور" و تمام ملی - مذهبی های طرفدار باند های در قدرت تا طیف توده ای اکثریتی که در دفاع از ارتجاع حاکم همیشه در صحنه بوده اند را باید از صف مردم راند. اینها امروز عملا و

جنگ و دعوای خانگی خودشان داشته باشند، رو به شما جز فقر، محرومیت و سرکوب، کلامی برای گفتن ندارند. دشمنان مردم هر گفتمانی در میان خود داشته باشند تنها گفتمانشان با شما، تباهی است. تنها گفتمانشان با مراسم روز کارگر شما، حمله و دستگیری است، تنها گفتمانشان با خواستهای انسانی برابری زن و مرد، دستجات حمله به زنان و تعرض به جوانان است. تنها گفتمانشان با دانشجویان زندان و شکنجه است. تنها گفتمانشان با کارگران نپرداختن دستمزد و محرومیت از حق تشکل و اعتصاب است.

اما مضحکه انتخابات ایندوره هم مانند دوره های قبل میدانی شده است تا طیفی از احزاب، جریانات و محافل مختلف ارتجاع بورژوازی از اپوزیسیون تا اپوزیسیون بار دیگر بر سر خواست و مطالبات خود به نام مردم علیه مردم با سران جنایتکار جمهوری اسلامی چانه بزنند و تلاش کنند مردم را پای صندوقهای رای بکشانند. این بار نیز لشکری از شکست خورده ها در جبهه اپوزیسیون به بن بست خورده، زیر پوشش مطالبه مردم و به وکالت شما به میدان آمده اند تا به نام شما و بر شانه های شما، یکی از سرداران ارتجاع را به کرسی ریاست ماشین سرکوب بنشانند. اینها هیچ وقت مخالفتشان با جمهوری اسلامی حتی زمانی که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی بوده اند، نه از سر مخالفت با فقر و محرومیت کارگر و مردم ستمدیده این جامعه، نه از سر خلاصی فرهنگی نسل جوان و

آزادی، برابری، حکومت کارگری

ادامه از ص ۱ اپوزیسیون ملی - قومی شریک جرم جمهوری اسلامی علیه مردم ایران...

که بخشهای از این مردم را نیز پشت این یا آن جناح جمهوری اسلامی کشانده و در آن شرکت دهد. و این از توده ایها و اکثریتی ها گرفته تا ملی - مذهبی ها، تا جمهوریخواهان ملی و داریوش همایون و حزب مشروطه تا حزب دمکرات کردستان و کلیه نیروی پرو رژیم ناسیونالیسم کرد در کردستان ایران و دیگر نیروهای قومی و این روزها تا تحرک "همگرایی در جنبش زنان" را دربرمیگیرد. در واقع بخش اعظم اپوزیسیون راست ایران. اینها با وجود اینکه حتی حق انتخاب را هم از آنان گرفته اند این مضحکه را به نام انتخابات قبول کرده اند و دیگران را به شرکت در آن نیز فرامیخوانند.

آیا این کار اینها از سر توهم به جمهوری اسلامی است؟ روشن است نه. اهداف و مصلحت و منافع سیاسی - طبقاتی معینی اینها را هر بار وادار به این کار کرده و این صف را هر بار علیرغم تنوع در اهداف، در کنار هم قرار داده و قرار میدهد. هرکدام از اینها به دنبال مصلحت سیاسی خویش است اما همه اینها در یک چیز آنهم مشروعیت دادن به حکومت اسلامی علیه اکثریت عظیم مردم متغیر و معترض به این حکومت شریکند. همانطور که در نوشته قبلی، "اپوزیسیون ملی قومی و مضحکه انتخابات" نوشتیم فضای سیاسی ای که این بار انتخابات جمهوری اسلامی در آن برگزار میشود با چهار سال قبل فرق کرده است. در این فاصله اتفاقات سیاسی مهمی در ایران رخ داده است، زمین سیاست در ایران زیر و رو شده است و مهر خود را بر جمهوری اسلامی و کلیه احزاب و نیروهای سیاسی اپوزیسیون ایران نیز زده است. بدون دخیل دادن این اتفاقات سیاسی نمی توان تصویر درستی از اوضاع فعلی و از خوشترقصی این دوره احزاب و نیروهای اپوزیسیون راست ایران در مقابل جمهوری اسلامی و در مضحکه پیش رو نیز بدست داد. این صف در دوره "دوم خرداد" در کنار دوم خردادها تحلیل شان

این بود که سرنگونی ای در کار نیست و یا اگر هم هست نهایتاً پروسه "خلع ید" تدریجی از جناح راست به سرنگونی منتهی میشود. با شکست دوم خرداد، بخش اعظم این صف علناً سرنگونی طلب شدند. عده ای حتی گفتند که جمهوری اسلامی قابل اصلاح نیست، عده ای هم گفتند از اینکه به خاتمی رای داده اند پشیمانند. بعد از شکست دوم خرداد و با حمله آمریکا به افغانستان و در ادامه به عراق، به آمریکا دخیل بستند و گفتند آمریکا میاید و میزند و می اندازد. اینها در این دوره مصلحت سیاسی خود را از این طریق یعنی از طریق افق توهم به آمریکا پیش می بردند. این موج حتی جناح چپ این اپوزیسیون را نیز با خود برد. اکنون سرنگونی طلبی این صف جای خود را به جنبش مطالباتی و بار دیگر افتادن دنبال این یا آن مهره از درون جمهوری اسلامی داده است. "گفتن مطالبه محور" اسم رمز این تغییر جهت سیاسی است. اینها کلیت جمهوری اسلامی را قبول دارند، اما مطالباتی دارند که مطرح میکنند.

علت این چرخش سیاسی، تغییر موقعیت اینها در مقابل جمهوری اسلامی است که در کشمکش منطقه ای در مقابل آمریکا خود را پیروز میدانند. با این تحول و اتفاقات بعدی، تقابل ناسیونالیسم پرو غرب و کلا ناسیونالیسم ایرانی با جمهوری اسلامی وضعیت دیگری پیدا کرد، پرچی در این میان دست بدست شد، اولی در مقابل دومی سپر انداخت و یاس و استیصال خود را نیز علناً بروز داد. نیروهای قومی هم که داستان خود را دارد. آشفته گی و چند پاره شدن آنها بر سر "انتخابات" این دوره جمهوری اسلامی بیانگر وضعیت آنها با کور شدن افق توسل به آمریکاست. ما بدست همان موقع این را تحلیل کردیم، رویدادهای این دوره صحت نظرات ما را در این مورد تائید میکند. این صف اکنون خود را در مقابل جمهوری اسلامی در بن بست کامل می بیند.

یاس و استیصال خود را که دیروز با گفتن اینکه فایده ندارد، یا جمهوری اسلامی دیگر رفتنی نیست یا باید از آمریکا در این مورد آموخت و غیره که به مردم متغیر و معترض به جمهوری اسلامی تسری میداد، اکنون آن را در قالب "گفتن مطالبه محور" و لزوم شرکت در انتخابات جمهوری اسلامی بیان میکنند. دارد مصلحت سیاسی خود را با موقعیت امروزی در مقابل جمهوری اسلامی وفق میدهد. این صف جنگی با بورژوازی ایران و دولت نماینده فعلی او ندارد. به این علت که آلترناتیوی، نه سیاسی، نه اقتصادی و نه منطقه ای از آنچه که اکنون جمهوری اسلامی دارد و هست ندارد. "طرح تحول اقتصادی" ای را که خامنه ای و احمدی نژاد و سران سپاه پاسداران در دل بحران اقتصادی فعلی و با تحمیل اخراج و بیکارسازیها و فقر و فلاکت بیشتر به طبقه کارگر و به خانواده های کارگری دنبال میکنند از آن خود میدانند و به جمهوری اسلامی از لحاظ سیاسی در پیش برد آن نیز کمک میکنند. از لحاظ موقعیت منطقه ای هم هیچ گاه چنین موقعیتی را برای جنبش خود و بورژوازی ایران تصور نمیکرد. ربطی هم به رفاه و آزادی توده کارگر و دیگر مردم زحمتکش و آزادیخواه در ایران ندارد. به این جهت در فکر انتظار و مامشات با جمهوری اسلامی است و دارد راهی در دل این شوی سیاسی برای آن پیدا میکند تا مصلحت سیاسی طبقاتی خود را با بورژوازی ایران و حکومت اسلامی در این دوره وفق دهد. خود این تحول، خارج از مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی، بیانگر یک واقعیت مهم دیگر آنهم پولاریزه شدن هرچه بیشتر جامعه ایران و بالغ شدن بورژوازی و طبقه کارگر ایران در مقابل هم است. اینها جمهوری اسلامی را نه تنها بر پیشروی صف رادیکال جامعه ایران که حتی بر هر طغیان و شورش عمومی ای علیه جمهوری اسلامی نیز ترجیح میدهند. این را سخنگویان این

صف دارند صریحاً اعلام میدارند. بحث بیشتر در این مورد را به نوشته دیگری موکول میکنیم. در ادامه این نوشته و برای درک بهتر از سرویس سیاسی ای که این صف به حکومت مشتاقی آخوند آدمکش در تقابل با توده کارگر و دیگر مردم متغیر و منزجر از جمهوری اسلامی میدهند توجه تان را به گفته رفسنجانی در مورد "انتخابات" این دوره جمهوری اسلامی جلب میکنم.

هاشمی رفسنجانی در این مورد چنین گفت: "اگر بتوانند در این انتخابات اعلام کنند که ۷۰ الی ۸۰ درصد از مردم شرکت کرده اند، این کار جمهوری اسلامی را چند پله در انظار عمومی جهان بالاتر خواهد برد."

این در واقع لخت و عریان هدفی است که جمهوری اسلامی از کشاندن مردم به مضحکه انتخاباتی خود دنبال میکند. اول مصرف داخلی آن یعنی استفاده از این مضحکه علیه مردم ایران که برای جمهوری اسلامی از مصرف خارجی آن دهها برابر مهم تر است، چون جنگ واقعی جمهوری اسلامی با اکثریت عظیم مردم معترض در ایران به این حکومت است. میخواهند به میدیای مختلف و افکار عمومی جهان نشان دهند که حکومت اعدام و شلاق و سنگسار و شکنجه و زندان و حکومت تحقیر زن و بی حقوقی کودک و فقر و فلاکت، "انتخاب" خود مردم ایران است! و میدانیم جمهوری اسلامی هرگام از "مشروعیت" و تثبیت سیاسی خود را، برخلاف تصور ساده لوحان سیاسی متوهم به "تغییر" از درون جمهوری اسلامی، در تشدید حجاب خفقان، افزایش اعدام ها، افزایش دستگیریها، افزایش جدایی های جنسی بیشتر و دخالت بیشتر در زندگی خصوصی آدمهای این جامعه و بالاخره افزایش خشونت بیشتر علیه طبقه کارگر و تحمیل بیکاری و فقر و فلاکت بیشتر بر این طبقه و بر دیگر مردم زحمتکش جامعه ایران ترجمه کرده و ترجمه میکند. جناحها و اوباش درون

دنیا بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید سوسیالیسم، بدون "خطر" سوسیالیسم، به چه منجلابی بدل میشود!

ادامه از ص ۱

به مناسبت هفته حکمت منتشر میشود کارگران و انقلاب

منصور حکمت

که باید در دنیا برطرف شود تشخیص میدهد. این جامعه وارونه است. تولید کنندگان ثروت جامعه، کارگران، بی چیزند و بیکارگان ثروتمند. پست ترین و فرومایه ترین عناصر، نجبا و عالیجنابان این جامعه اند و شریف ترین مردم، توده زحمتکشان فرودست و بی حقوق اند. آنها که یک عمر کار کرده اند و ثروت ساخته اند حتی پس از سی سال برای گذران هر روز از زندگی خود باید از نو برای کارشان مشتری پیدا کنند. قدرت خلاقه و مولد کارگر خود را در قدرت اجتماعی و سیاسی روزافزون سرمایه و فرودستی هرچه بیشتر خود کارگر نشان میدهد. برای حفظ این جامعه وارونه دولت ها پیدا شده اند، ارتشها ایجاد شده اند، زندانها و شکنجه گاهها بنا شده اند، خدایان آفریده شده اند و مذاهب ساخته شده اند. مساله از روز روشن تر است. این جامعه مبتنی بر بردگی است. بردگی مزدی. هیچ درجه رشد خدمات اجتماعی و بیمه ها و افزایش درآمد کارگران که تازه همه باید با نبرد و با زور از حلقوم طبقات حاکم بیرون کشیده شوند، در اساس این موقعیت برده وار کارگر تغییری نمیدهد. ←

نیروی ذخیره و کمکی به میدان کشیده شده اند، جنگیده اند و فداکاری های بی نظیر از خود نشان داده اند. اما حاصل کار جز دست بدست شدن قدرت در درون خود طبقه سرمایه دار و جز پیدایش شکل های جدیدی برای اداره نظام استثمارگر موجود نبوده است. در بسیاری موارد اولین کسانی که مورد تعرض بخش های تازه قدرت رسیده طبقه حاکمه قرار گرفته اند خود کارگران بوده اند و انقلاب خود به دستاویز جدیدی برای سرکوب جنبش کارگری تبدیل شده است.

بنابراین وقتی کارگر از انقلاب صحبت میکند باید دقیقاً بداند که چه چیز میخواهد و چه چیز نمیکند. ما خواهان انقلاب کارگری علیه کل سیستم سرمایه داری و کل قدرت طبقه سرمایه داری هستیم. ما خواهان انقلاب کمونیستی هستیم که جامعه موجود را از بنیاد دگرگون میکند.

انقلاب کارگری چه هدفی را دنبال میکند؟ پاسخ این سوال در همین جامعه سرمایه داری نهفته است. هر کارگری که ده دقیقه به اوضاع خودش فکر کند ایراد اصلی ای را

ثروت و غیره مضمون اصلی بسیاری از تحولاتی بوده است که در کشورهای مختلف تحت عنوان انقلاب صورت گرفته است. در همه این موارد بنیاد مناسبات موجود در جامعه و کل نظامی که مایه مشقات و محرومیت های توده مردم کارگر و زحمتکش را تشکیل میدهد دست نخورده باقی مانده است. دو دهه قبل شاهد انقلابات متعدد اینچنینی در کشورهای تحت سلطه بوده است. امروز وقتی به این کشورهای انقلاب کرده نگاه میکنیم دیگر حتی نشانی از همان تحولات محدود ناشی از انقلاب هم باقی نمانده است و منطق نظام سرمایه داری بار دیگر این واقعیت را آشکار کرده است که مادام که اساس سرمایه و سرمایه داری پابرجاست نصیب توده کارگر و زحمتکش جز فقر و بی حقوقی سیاسی و اجتماعی نخواهد بود.

خاصیت مشترک همه این انقلابات دروغین و نیم بند این است که تماماً تحت تأثیر اهداف و مقاصد بخش هایی از خود طبقات حاکمه قرار داشته اند و رهبری سیاسی و عملی آنها بدست همین اقشار بوده است. کارگران همواره بعنوان

کارگران کمونیست خواهان انقلابند. اما کدام انقلاب؟ طبقات مختلف و گرایشات سیاسی و اجتماعی مختلف "انقلاب" را به معانی بسیار متفاوتی بکار میبرند. دنیای ما همه نوع "انقلاب" و همه نوع "انقلابی" ای بخود دیده است. تقریباً هر کس و هر جریانی که میخواهد وضع موجود در جامعه را بشیوه ای ناگهانی و بطور غیرمسالمت آمیز تغییر بدهد از انقلاب حرف میزند و خودش را انقلابی مینامد. خیلی از این انقلابات چیزی بیشتر از ارتجاع صرف نیستند. نمونه "انقلاب اسلامی" زنده و حی و حاضر جلوی چشم ماست. عقب مانده ترین خرافات و مشقت بارترین اوضاع را انقلاب نام گذاشته اند. مرتجع ترین و کثیف ترین عناصر نام انقلابی بر خود نهاده اند. کارگر کمونیست پیگیرترین دشمن چنین انقلابات و انقلابیون دروغینی است.

برخی دیگر از انقلابات چیزی فراتر از اصلاحات محدود در وضع موجود نیستند. خلاصی از استبداد، کسب استقلال اقتصادی، برنامه ریزی و بهبود سطح تولید، توزیع به اصطلاح "عادلانه تر"

جرم جمهوری اسلامی اند. احزاب و نیروهای این صف را باید به این عنوان در جامعه معرفی و افشاء کرد. در مضحکه توهین به شعور و تحقیر خود شرکت نکنید. همدستی این صف را با حکومت اسلامی وسیعاً افشاء کنید. هلهله این صف را برای این حکومت ارتجاعی به افشاگری وسیع از آنان تبدیل کنید. و این وظیفه هر کارگر آگاه و همه کمونیستهای طبقه کارگر و وظیفه هر انسان آزادیخواه و برابری طلبی در جامعه ایران است که برای پائین کشیدن حکومت اوباش اسلامی درگیر جنگی شبانه روزی است.

۲۸ مه ۲۰۰۹

"جبهه متحد کرد" و دیگر وکلا و سخنگویان ناسیونالیسم کرد پرو رژیم در کردستان ایران تا دیگر نیروهای قومی تا تحرک "همگرایی در جنبش زنان" علناً در شکل دادن به این سناریو علیه اکثریت عظیم مردم آزادیخواه و خواهان سرنوشتی نیکت اسلامی، شریک جرم حکومت اسلامی اند. همه اینها در این شوی سیاسی دارند به بهانه های مختلف و بنا به مصلحت سیاسی و منافع طبقاتی خود توحش اسلامی را علیه این مردم تقویت میکنند و بر بقای یکی از هارترین حکومت های سرمایه داری جهان، حکومت مثنی آخوند جانی، بر مردم ایران کمک میکنند. اینها در این کار شریک

کرد و یا اینکه آزادی انتخاب داشته باشند چه چیزی را انتخاب خواهند کرد، عقل سیاسی چندانی نمیکند. مصرف خارجی دادن آمار شرکت کننده به نفع جمهوری اسلامی در انظار افکار عمومی خارج هم بالابردن ثقل این حکومت در مذاکرات احتمالی با آمریکا و کشورهای پنج بعلاوه یک بر سر مساله هسته ای جمهوری اسلامی و دیگر مسائل منطقه ای است. احزاب و نیروهای سیاسی اپوزیسیون راست از توده ای و اکثریتی و ملی - مذهبی گرفته تا جمهوریخواهان و حزب مشروطه تا حزب دمکرات کردستان و "سازمان حقوق بشر کرد" و

→ جمهوری اسلامی هم علیرغم هر اختلافی که با هم دارند، چه خاتمی در یک دوره، چه اکنون کروی یا حسین موسوی و محسن رضایی، در این هدف با خامنه ای و احمدی نژاد و کلیت جمهوری اسلامی شریکند و به این هدف با عوام فریبی های گوناگون مردم را به شرکت در چاهی که برای آنان کنده اند فرامیخوانند. این حکومت بقای هر روزه خود را تاکنون به این شکل حفظ کرده و حفظ خواهد کرد. دانستن اینکه اگر یک روز، فقط یک روز، سرنیزه های این حکومت کنار رفته باشد، این اکثریت عظیم چگونه حکومت اسلامی و اسلام را از جامعه ایران جارو خواهند

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

→ کودکی که امروز در میان ما متولد میشود مهر استخدام سرمایه شدن را بر پیشانی خود دارد

کل تبعیضات اجتماعی و سیاسی و کل فساد و تباهی اخلاقی جامعه حاضر، از ستمگری بر زنان و تبعیض نژادی تا اعتیاد و فحشا، از رقابت و منفعت طلبی فردی که در خون جامعه جریان دارد تا قحطی و گرسنگی و بیماری که هر روز میلیونها انسان محروم را بکام مرگ میکشد، همه حاصل این وارونگی جامعه اند. جامعه ای که صاحبان برحق و آفرینندگان واقعی آن، کارگران، اسیر بردگی مزدی اند. انقلاب کارگری بر سر در هم کوبیدن بنیاد این جامعه طبقاتی است.

بنیاد این نظام مالکیت خصوصی اقلیتی کوچک بر وسائل تولید در جامعه است. مادام که انسانها برای نان خوردن و برای برخورداری شدن از حداقلی از رفاه ناگزیرند برای کس دیگری کار کنند که اختیار وسائل تولید را در دست گرفته است، مادام که تولید اجتماعی و تامین مایحتاج بشر تنها از طریق سود رسانی به مالکان انگل و وسائل تولید ممکن است، صحبتی از آزادی و برابری انسانها و از میان بردن محرومیت ها و تبعیضات نمیتواند در میان باشد. انقلاب کارگری در اساس خود انقلابی علیه مالکیت خصوصی طبقه سرمایه دار بر وسائل تولید اجتماعی است. انقلاب کارگری انقلابی برای برقراری مالکیت و کنترل اشتراکی و دسته جمعی تولید کنندگان بر وسائل کار و تولید است. انقلاب کارگری انقلابی برای محو طبقات و استثمار طبقاتی است.

بورژوازی به زبان خوش دست از قدرت اش بر نمیدارد و بساط استثمارش را جمع نمیکند. پس باید انقلاب کرد، حکومتی کارگری برقرار ساخت که مقاومت استثمارگران را در هم میشکند و راه را برای جامعه ای بدون استثمار و لاجرم بدون نیاز به هیچ نوع حکومت و ستم و خرافه باز میکند.

برای کارگر کمونیست انقلاب یعنی خیزش طبقه کارگر برای عملی کردن تمام این تحول عظیم اجتماعی. مبارزه برای آزادی، برابری و حکومت کارگری. اگر کارگر به میدان سیاست میاید باید برای این بیاید. باید بعنوان رهبر رهائی کل جامعه به میدان بیاید. دوران کشیده شدن کارگران بدنبال این و آن بسر رسیده است. جریان کمونیستی در درون طبقه کارگر هدف خود را این قرار داده است که کارگران را به این دورنما مجهز کند و حرکت مستقل کارگران برای کسب قدرت سیاسی و انجام انقلاب کارگری را سازمان بدهد.

اگر چیزی گرایش کمونیستی را از سایر گرایشات در درون جنبش کارگری متمایز میکند همین تلاش برای جایگیر کردن آرمان انقلاب کارگری در درون طبقه کارگر و سازمان دادن نیروی این انقلاب است. کارگر کمونیست در صف مقدم هر مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی کارگران است. اما او در این مبارزه هدف عالی تری را نیز دنبال میکند. از نظر ما در دل این مبارزات است که کارگر خود را به عنوان یک طبقه میشناسد، به قدرت خود واقف میشود و با راه رهائی خود، انقلاب کارگری علیه کل نظام اقتصادی و اجتماعی موجود آشنا میشود. سازماندهی انقلاب کارگری امری مربوط به آینده دور نیست. این تلاش هم اکنون در جریان است. هر جا اتحاد کارگران و آگاهی آنها نسبت به اینکه اعضاء یک طبقه جهانی اند تقویت میشود، هر جا کمونیسم بعنوان دورنمای انقلاب کارگری در میان کارگران رسوخ میکند و با هر رفیق کارگری که به کمونیسم و به محافل و سلول های کمونیستی کارگران نزدیک میشود، یک گام به انقلاب کمونیستی نزدیک تر شده ایم. سلول ها و محافل کمونیستی کارگری که امروز تشکیل میشوند، فردا کانون های رهبری انقلاب کارگری و پایه های قدرت حکومت کارگران را تشکیل خواهند داد. هیچکس تردید ندارد که

حکومت و اقتصاد سرمایه داری در ایران دچار یک بحران عمیق است و جامعه ایران در آستانه تحولات سیاسی تعیین کننده ای قرار گرفته است. دیر یا زود جدال طبقات اجتماعی در ایران اوج تازه ای خواهد گرفت. احزاب و نیروهای بورژوازی، چه در داخل حکومت اسلامی و چه در خارج آن دارند خود را برای زورآزمایی های نهائی آماده میکنند. اینبار ما باید تضمین کنیم که طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل، زیر پرچم خود و با آرمان انقلاب کارگری به میدان خواهد آمد. این کار عملی است. جریان کمونیستی در درون طبقه کارگر جریان قدرتمندی است. حزب کمونیست ایران گوشه ای از یک حزب کمونیستی کارگری به مراتب نیرومندتر است که هم اکنون ریشه های خود را در درون طبقه کارگر و جنبش های اعتراضی کارگران محکم کرده است. شعارهای ما و افق های ما هم اکنون راه خود را در میان توده های وسیع طبقه کارگر باز کرده اند. حکومت اسلامی هم اکنون فشار این حزب وسیع و اعلام نشده کارگری را بشدت بر پیکر خود احساس میکند. به سرنوشت قانون کار اسلامی نگاه کنید، به حال و روز شوراهای اسلامی نگاه کنید، مجامع عمومی کارگران و مطالبات آنان را ببینید، همه گواه یک رادیکالیسم قدرتمند کارگری است که در طول دوره پس از انقلاب ۵۷ در ایران شکل گرفته است. اگر بناسط طبقه کارگر ایران در تحولات آتی بار دیگر قربانی نشود، این حزب عظیم و اعلام نشده باید سر و سامان بگیرد. اجزاء مختلف آن، حزب کمونیست ایران، شبکه های گسترده محافل کارگران کمونیست، جنبش مجامع عمومی و سلول های رهبری اعتراضات کارگری باید در یک حرکت واحد کارگری ادغام شوند. این عاجل ترین کاری است که کمونیسم کارگری در ایران در برابر خود قرار میدهد. برنامه ما برای جامعه، راه حل های ما برای رفع مشقاتی که دامنگیر توده های وسیع زحمتکشان است، شعارها و

خواستههای ما همه روشن است. شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری، یعنی چکیده انقلاب اجتماعی کارگران، هم اکنون در دل توده های وسیع طبقه ما جای گرفته است. تبدیل همه این مصالح و امکانات به یک حزب قدرتمند اجتماعی که قادر به هدایت کل طبقه کارگر در نبرد های تعیین کننده آتی باشد، این کار ماست. این اولویت اساسی کارگران کمونیست در ایران است.

کمونیست ارگان مرکزی حزب کمونیست ایران
شماره ۵۳، شهریور ۱۳۶۸

به دوستداران منصور حکمت در هفته حکمت این تراکت را وسیعا

اساس سوسیالیسم
انسان است،
سوسیالیسم جنبش باز
گرداندن اختیار به
انسان است.

دنیا بدون فراخوان
سوسیالیسم،
بدون امید سوسیالیسم،

بدون "خطر"
سوسیالیسم،
به چه منجلابی بدل
میشود!

به سایت آثار منصور
حکمت مراجعه کنید
[http://hekmat.public-
archive.net](http://hekmat.public-archive.net)

اساس سوسیالیسم انسان است، سوسیالیسم جنبش باز گرداندن اختیار به انسان است

برنامه های تشکیلات خارج کشور در مورد هفته منصور حکمت

برنامه های تشکیلات حزب حکمتیست در استکهلم بمناسبت هفته حکمت- نمایشگاه عکس و کتب منصور حکمت:

پنج شنبه چهارم ماه ژوئن از ساعت ۱۴ در محل کافه مارکس - در ساختمان دفتر حزب چپ، Kungsgatan 84
سخنرانی: وظایف سیاسی کمونیستها در قبال بحران اقتصادی - از دید منصور حکمت -

(کاربست تئوری مارکسیستی بحران در شرایط انقلاب ایران) سخنران: فاتح شیخ

سخنرانی: چند درس و تجربه از کار نزدیک با منصور حکمت- رحمان حسین زاده

محل و زمان: یکشنبه هفتم ماه ژوئن از ساعت ۱۴ - در محل "خانه مردم" - Nidarosgatan 12, Husby

تشکیلات شهری حزب حکمتیست در استکهلم - تماس: بهنام ارانی 0736431739 - hekmatist.stockholm@yahoo.com

اسلو-نروژ - سخنران: آذر مدرسی منصور حکمت و تئوری حزب - محل: Olafsiangen 5 Gronland

تشکیلات نروژ حزب حکمتیست - تماس: ۰۹۸۴۴۳۷۲۱

تورنتو: یکشنبه ۷ ژوئن - ساعت ۲ و نیم تا ۵ بعدازظهر- منصور حکمت و تحزب کمونیستی- سخنرانی: اسد گلچینی، عضو دفتر

سیاسی و دبیر کمیته کردستان حزب حکمتیست

آدرس North York Civic Centre Room3 - تماس: مصطفی یونسی تلفن: ۶۴۷۲۹۳۷۳۹۴ -

ایمیل komitecan@yahoo.ca

کلن: جمعه پنجم ژوئن ۲۰۰۹ ساعت ۱۸- منصور حکمت و تلاش برای رهایی انسان - سخنران: صالح سرداری عضو دفتر سیاسی

حزب حکمتیست

- آدرس Melchior str.3 Köln, Alte Feuerwache - تماس: همایون گدازگر شماره تلفن - ۰۱۷۸ ۶۹۲۱۶۷۱

فنلاند-هلسنکی - در بزرگداشت زندگی پر بار منصور حکمت - سخنرانان: - سامان کریم عضو دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری

عراق باز خوانی "دموکراسی: تعابیر و واقعیات" منصور حکمت - اسماعیل ویسی عضو کمیته مرکزی و کمیته کردستان حزب

حکمتیست جایگاه "تحزب سیاسی کمونیستی" در متدولوژی منصور حکمت - - تربیون آزاد "باز گونی تاثیرات منصور حکمت

درپراتیک سیاسی "شرکت کنندگان - نمایش فیلم ویدیویی از منصور حکمت در کردستان

زمان و مکان مراسم: شنبه: ۲۰۰۹ . ۰۶ . ۰۶ . ساعت ۲۰-۱۶ " NOKIAN TIE 2-4 -

تلفن های تماس: آلا فرج: ۰۴۰۵۴۳۰۸۹ - ریپوار عارف: 0440464905

تشکیلات حزب حکمتیست، حزب ک. ک. ع و حزب سوسیالیست عدالتخواه سوئد بمناسبت هفته منصور حکمت برگزار میکنند .

خانه آزادی در ۱۸ stigbergsliden به زبان کردی سخنران: رعد سلیم و video clip به زبان کردی و عربی

در دفتر حزب سوسیالیست عدالتخواه سوئد: بزبان سوئدی سخنران: دیلان عبدالی روز

روز شنبه ۷ یونی در هاگابیو سخنران: سلام زیجی: نقش و تاثیر منصور حکمت در جنبش کمونیستی

در ۲۸ Arödsindustriväg پخش سخنرانی منصور حکمت تحت عنوان "قلب کمونیسم کجا می طپد" و اسلاید عکس از منصور

حکمت -

هر نوع تغییر در برنامه ها در اسرع وقت به اطلاع میرسد .

نه قومی ، نه مذهبی ، زنده باد هویت انسانی

نمایش انتخابات و چند حقیقت ساده

سیف خدایاری

نیروهای امنیتی علینجاب به قتل می‌رسند. البته علینجاب هم چندان نمک ناشناس نیست و در یک نطق تاریخی در سنجند با کشته شدگان فریب خورده این طیف از منتقدان همدردی کرد و بعید نیست در آینده هم کشته شدگان فوق اشاره در زمره شهیدان انقلاب اسلامی قرار گیرند چرا که انصافاً تعدادی از آنها در جنگ با دشمن مشترکشان یعنی کمونیسم از دست رفته اند. بخشی دیگر از اپوزیسیون با اظهار نظرهای ریاکارانه و عافیت جویانه اقدامات حزب دمکرات کردستان را در پیوستن به جمهوری اسلامی کمرنگ کرده و آن را «اقدامی نامناسب» توصیف کرده اند و اقدام مناسب خود یعنی تحریم انتخابات را ال‌ترناتیو خود معرفی کرده اند. این طیف از اپوزیسیون که آینده نگر و سیاستمدار هستند نخواستند اند تمام منافع ارتباطی با جمهوری اسلامی را ببندند و به همین تحریم کردن رضایت داده اند، در حالیکه تحریم هم نمی‌تواند سیاست درستی در برخورد با انتخابات در جمهوری اسلامی باشد. تحریم در بهترین حالت منفعل کردن جامعه در برابر جمهوری اسلامی است و تحریم کنندگان از این سیاست به عنوان زاپاس برای ادامه مسیر خود استفاده می‌کنند. تحریم انتخابات تأیید چهارچوب کلی نظام سرمایه داری و اعتراض نیم بند به جمهوری اسلامی است.

نتیجه انتخابات هر چه باشد و هر دیوی از این چراغ جادو و فریب بیرون بیاید، برای انسانهای آگاه و مبارز یکسان است. این انتخابات اما یک درس مهم و فراموش نشدنی برای همه ی انسانهای زنده در ایران دارد. در این انتخابات صفوف مخالفان واقعی جمهوری اسلامی و منتقدان آن به آسانی و با چشم غیر مسلح قابل تشخیص اند. این انتخابات به همه نشان داد که جامعه بیش از هر زمان دیگری حول دو محور سرمایه دار و طبقه کارگر قطبی شده است و جامعه طبقاتی نمود واقعی خود را صف



موافقان و مخالفان

دوستان جدید که هر کدام کلمات دهن پرکنی مانند فعال زنان، فعال کارگری، فعال مدنی و حتی فعال قومی را یک می‌کشند آماده می‌کنند. نگاهی به لیست امضا کنندگان بیانیه «گفتان مطالبه محور» بروشنی نشان می‌دهد که کدام بخش و چه طیفی از جامعه نگران «طغیان های کور اجتماعی» اند. البته تمام مدافعان جمهوری اسلامی امضا کنندگان این بیانیه نیستند. اینها تنها نماینده بخش وسیعی از منتقدان درونی نظام و رانده شده از بهشت منابع و امکانات دولت بورژوا-اسلامی اند که در ۳۰ سال گذشته همواره مسافر قطار بربریت اسلامی بوده اند. امضا کنندگان این بیانیه عصاره جریانات ملی - مذهبی، چپ اسلامی، مشروطه چی، «دمکراسی طلب و حقوق بشر»ی اند که از هر فرصتی برای وارد شدن به دایره تنگ قدرت فروگذار نمی‌کنند و منفعت خود را در حفظ و بقای این نظام پوسیده می‌دانند. دیگر مدافعان نظام جمهوری توحش اسلامی نیروهایی اند که تا دیروز جزو اپوزیسیون بشمار می‌آمدند اما بعد از افاضات رهبری نشان «فریب خورده» را دریافت کرده اند و می‌خواهند از این فرصت برای خدمت در بیت رهبری استفاده کنند. پسر عموهای این جریانات در کردستان چکیده تملق و ریاکاری قومی - اسلامی خود را در نامه ای به «عالینجاب» تقدیم نمودند. شبه روشنفکران کرد در هیأت سازمان دفاع از حقوق بشر کردستان لیستی از تملق و ریاکاری را همراه مطالباتی دست چندم در جایی تقدیم علینجاب می‌کند که در همان شهر و در همان منطقه هزاران نفر از بهترین فرزندان و عزیزترین انسان ها را جلادان علینجاب در دسته های چند نفری و دادگاههای ۱ دقیقه ای اعدام کرده اند. دوستداران حقوق بشر در جایی به استقبال علینجاب رفته اند که هر روز در جدال بین مرگ و زندگی افرادی از آن جامعه برای بدست آوردن حداقلی از امکانات زنده ماندن توسط

خندان هدف اما از پیش معلوم است؛ نجات جمهوری اسلامی از آتش خشم و نفرت میلیونها انسان معترض به این بربریت اسلامی. تفاوت در عکس العمل "اپوزیسیون" داخلی و بیرونی جمهوری اسلامی است که هر روز بدتر از دیروز منطبق با تحولات منطقه ای استراتژی خود برای سهم شدن در بربریت اسلامی را تغییر می‌دهند. تحت پوشش تقدیم مطالبات در چندین عشوہ نامه، در پیوزگی خود را به چندین درجه زیر صفر رسانده اند و در این وادی کار به جایی رسیده است که عروسکهای خیمه شب بازی انتخاباتی مانند کروبوی و موسوی برنامه های عوامفریبانه خود مبتنی بر حقوق اقلیتها و فریب نامه های مشابه را حتی رادیکال تر از این بادنها در ویتترین تبلیغاتی به نمایش بگذارند. البته اشتباه نکنیم آنچه ضرورت طرح برنامه های کروبوی و موسوی را ایجاد کرده است و آنچه امضا کنندگان بیانیه «گفتان مطالبه محور» تحت نام خواسته های مردم دسته بندی کرده اند در این واقعیت نهفته است که «طغیان های کور اجتماعی» جمهوری اسلامی را به سرآشویی سقوط نزدیک کرده است. ایجاد دست اندازها و موانعی برای کاستن از سرعت سقوط نظام که با خود سقوط تمامی افق های بورژوایی و سرمایه داری را دارد می‌تواند چند صباحی به عمر جمهوری اسلامی و اقامت مشترک المنافع اش بیفزاید. این موانع حداقل مطالباتی است که می‌تواند بخش کوچکی از مخالفان دیروزی که امروز زیرکانه منتقد نامیده می‌شوند را راضی نگهدارد. جمهوری اسلامی می‌خواهد با ایجاد چند خاکریز مانع از سقوط آخرین جبهه های نبرد با «طغیان های کور اجتماعی» بشود و مصالح این خاکریز را مثل همیشه نزدیکترین دوستان طبقاتی خود مانند نظریه پردازان اقتصادی، کارشناسان فرهنگی، روزنامه نگاران، شاعران مجیز گوی بیت رهبری، و، طیف وسیعی از

اطلاق **مضحکه** به نمایش سراپا کمدی - تراژیک که این روزها در ایران تحت نام انتخابات صورت می‌گیرد، نمی‌تواند بیانگر تمام وقاحت سیاسی نظام جمهوری اسلامی باشد. مضحکه می‌تواند خنده ای تلخ بر لب انسان خسته از مناسبات وقیح دولتمردان اسلامی بنشانند، اما نمایش انتخابات تکرار پروسه جمهوری اسلامی در زشت ترین شکل آن است که بر متن تاریک ترین دوره از حیات سیاسی سه نسل از انسانهای زنده نوشته شده است. این نمایش در جایی روی صحنه می‌رود که بوی خون و باروت و شلاق و شکنجه و تعفن اسلامی فضا را انباشته است. کارگردان این نمایش هر کسی باشد، تغییری در سناریو داده نمی‌شود. اگر انتخابات در شکل متعارف دولتهای بورژوایی توانسته باشد مشروعیتی کذایی به حاکمان بخشیده باشد و خواسته ها و امیال و آرزوهای مردم برای مدتی در گرو تصمیمات تعدادی از سرمایه داران و استثمارگران قرار گرفته باشد در جمهوری اسلامی هیچگاه این نمایش نتوانسته یک ذره از ماهیت ضدانسانی نظام اسلامی را لاپوشانی کند. در ۳۰ سال گذشته آنچه انتخابات نامیده می‌شود، جنگ قدرت و تلاش برای به چنگ زدن سهم بیشتری از منابع و ثروت ها توسط کفتارهایی بوده است که کوچکترین ربطی به خواسته ها و مطالبات مردم نداشته اند. از این لحاظ این انتخابات را هم می‌توان در کنار سایر نمایش های ۳۰ سال گذشته قرار داد.

تفاوت این نمایش با سایر شوهای انتخاباتی نه در ماهیت ضد انسانی جمهوری اسلامی نهفته است و نه در خصلت کاندیداها و برنامه های آنها. بازیگران این خیمه شب بازی در ۳۰ سال گذشته توانسته اند چهره خود را مطابق با نیازهای جمهوری اسلامی برای بقای خود گریم کنند. زمانی بنی صدر "روشنفکر اسلامی" عروسک گردان این نمایش بود و زمانی سید

زنده باد آزادیخواهی و برابری طلبی

اطلاعیه خبری تشکیلات گوتنبرگ حزب حکمتیست باز هم شکست و رسوایی برای عوامل جمهوری اسلامی

ماموران رژیم از دست مردم کتک میخورند. پرچم دست آنها را پرت میکنند و درس خوبی به این مزدوران میدهند. اجتماع اعتراضی مردم هنوز ادامه دارد و بار دیگر جمهوری اسلامی و حامیان آن در گوتنبرگ رسوا و ناکام شدند. اخبار تکمیلی را در اطلاعیه های بعدی به اطلاع میرسانیم.

تشکیلات حزب حکمتیست (کمیته گوتنبرگ)
۲۹ مه ۲۰۰۹

سخنرانیها و افشاهگری در مورد جمهوری اسلامی و اینکه خارج کشور نباید به جولانگاه عوامل جمهوری اسلامی تبدیل شود، ادامه دارد. به تدریج بر جمعیت معترض افزوده میشود. در ساعت پانزده و سی دقیقه یک ماشین حامل چند نفر از عوامل رژیم که پرچم جمهوری اسلامی را حمل میکردند، با پر رویی در نظر داشتند در مقابل چشم معترضین مانور بدهند و از مقابل آنها رد شوند. مردم متفرق ماشین آنها را مورد حمله قرار میدهند.

مانع بازگشت مامورین جمهوری اسلامی به گوتنبرگ بشوند. به دنبال این فراخوان از امروز ساعت ۸ صبح مردم معترض در میسا گاتا ۸ ۸ Göteborg تجمع کردند. مردم معترض در جلو در این محل با پلیس درگیر میشوند. در این درگیری سه نفر و از جمله گلاباغ سلیمی دبیر کمیته گوتنبرگ حزب حکمتیست دستگیر میشود. دستگیر شدگان بر اثر فشار اعتراضی تجمع کنندگان بعد از ۲ ساعت آزاد میشوند. تجمع اعتراضی با

در اطلاعیه قبلی به اطلاع رساندیم ، بعد از شکست و رسوایی مفتضحانه مزدوران رژیم در تاریخ ۱۷ و ۱۸ مارس در فولکت هوس باکاپلان، جهت جبران و ناکامی خود و حامیانشان گویا به درخواست عده ای امروز جمعه ۲۹ مه قصد بازگشت را داشتند.

با توجه به این مسئله تعدادی از احزاب و جریانات اپوزیسیون چپ ایران و از جمله تشکیلات حزب حکمتیست در گوتنبرگ، مردم معترض را فراخواندند، باردیگر

خارج کشور جولانگاه اوباش جمهوری اسلامی نیست

گذاشت به نام مردم و به نام انتخابات به این دشمنان مردم برای حکومت خود مشروعیت بخردند.

حزب حکمتیست شما را فرا میخواهد تا روز ۲۲ خرداد را به روز اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. روز ۲۲ خرداد متحدانه در مقابل مراکز جمهوری اسلامی فریاد بزنیم مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزاد، زنده باد برابری.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری-حکمتیست

۲۹ مه ۲۰۰۹

کشور بساط انتخاباتشان را بر سرشان خراب میکنیم.

مردم آزادخواه!
ما با جمهوری اسلامی در جنگ هستیم، جمهوری اسلامی در ایران هر اعتراض و مخالفت را با سرکوب جواب میدهد، آزادخواهی را به بند میکشد و با کشتار و سنگسار و شکنجه و زندان، در تلاش است مخالفان خود را سرکوب کند. ما نیز در دفاع از حرمت و کرامت انسانها، در دفاع از رفاه، آسایش، امنیت و آزادی مردم ایران، در مقابل این مضحکه خواهیم ایستاد. جمهوری اسلامی حکومت مشی قاتل و جنایتکار حرفه ای است و مشروعیتی ندارد. نباید

را داغ نگه دارند.

مردم آزادخواه و مبارز!
نباید اجازه داد اوباش رژیم بساط انتخابات را در خارج کشور بر پا کنند. باید بار دیگر اعلام کرد خارج کشور جولانگاه اوباش جمهوری اسلامی نیست! باید به سران و ماموران رژیم نشان داد مردم آزادخواه در خارج کشور صدای اعتراض و نفرت میلیونها زن و مرد و جوانی هستند که در ایران زیر فشار سرکوب و خفقان به این رژیم و نمایش انتخاباتیشان نه میگویند. باید نشان داد اگر در ایران با زور سرنیزه و چماق صندقهای رای را از تعرض مردم امن نگه میدارند، ما در خارج

بساط مضحکه انتخابات ریاست جمهوری قرار است توسط اوباش جمهوری اسلامی در خارج کشور هم برپا شود.

این انتخابات را حتی با عقب مانده ترین معیارها نمیتوان انتخابات نامید. قرار است یکی از ارتجاعی ترین مهره های رژیم را برای ریاست بر ماشین سرکوب به نام انتخاب مردم از صندوق بیرون بیاورند. قرار است این مضحکه مایه آبرو خریدن و مشروعیت دادن به رژیمی سرتا پا جنایت شود. از هم اکنون رژیم و هوادارانشان در خارج کشور به همراهی میدیای نوکری مانند بی بی سی تلاش میکنند بازار این مضحکه

استفاده می کنند و طبقه کارگر هم از هر فرصتی برای طغیان علیه نظام بردگی استفاده می کند.

داری را تنها انتخاب خود قرار داده اند. سرمایه داری و احزاب بورژوازی از هر فرصتی برای حفظ منافع خود از گزند طغیان های کور اجتماعی »

هویت طلبان قومی و اسلامی و در طرف دیگر کمونیستها و انسانهایی که مبارزه طبقاتی برای نابودی جمهوری اسلامی و از بین بردن نظام سرمایه

→ جمهوری اسلامی نشان داد. از سویی جمهوری اسلامی وجود دارد با احزاب و جریانات بورژوازی و روشنفکران و ژورنالیست ها و

آزادی، برابری، حکومت کارگری